

دارالطباعه جنب میدان نفس جهان
تقیه نسالیانند که اصفهان و اولیغ ۱۲ قران
که طهزان و سائر بلاد محکوم و شایران ۱۶ قران
بنا لایار و پ و امزلیات و افزیک و سائر بلاد طبعه
که هر هفتک بخفتنیکه بطبع می رسد
اخبار لایق و معرفتنامه های دیگران از این پیشین

بختنیکه ۲۱ مرتضیان الممالک ۱۲۸ هجری

هنک

نویسنده
اصفهان

مکمل کتابخانه المانی الیوم
نادر اخبار نامه از سال ۱۲۰۰
تقریباً ۲۰۰ کتابخانه
استادان و کاتبان و نویسندگان
کتابخانه های دیگر
بختنیکه ۲۱ مرتضیان الممالک ۱۲۸ هجری

۳۲ از نیایه فرانسه ۱۱۱۱ میلادی

در این اخبار نامه از خود خلد جا جریسیانیت و اصلاحات کنید و او و سایر اخبار و اخبار و اخبار

اخبار حاجه

(سیر حال پرنس ناپلیون)

پرنس ناپلیون فرانسه در سال ۱۸۷۱ میلادی
در بزم خوردن اداره امپراطوری و وفات
لویی ناپلیون سوم پرنس امپریال پرنس ناپلیون
در پرنس ناپلیون پسر دوم برادر ناپلیون
اول که متقی پادشاه (ویستفالیای) بود
و دو پسران پرنس ناپلیون پرنس کیتور و پرنس
لویی اجنابانی کورخانواده یونان پارت بود
و بجزب قاصد پرنس امپریال و ارث حقوق
حکمرانی خانواده بود چون پرنس امپریال انواج
انگلیس مکاب زولوستان رفته در آنجا پت
تیرزمینان زولوکرید حقوق بزرگتری خانواده
یونان پارت پرنس ناپلیون منتقل شد
پرنس ناپلیون چند هفته قبل غیبی و رنجتم
ما سه ماه فرانسه در شهر رم پاتخت ایتالیا فوت
کرد پرنس شارالیه دختر (کیتورانا نویل)
خواهر (جبرت) پادشاه و حالیه ایتالی را
تزوج کرده بود
پرنس متونی همش (پرنس ژوزف شارل

پاول ناپلیون) و پسر دوم (تیریم) برادر پونا پارت
است شش شصت و نه بود که وفات کرد چون
شارالیه نامزد امپراطوری فرانسه و از شاه
زادگان بزرگ نامدار خانوادۀ ناپلیون است
فهمد شرح حال او را اجلا درین زمانه
موندن خالی از مناسبت نیست
پرنس ناپلیون در ماه دسامبر سال ۱۸۲۲ در شهر
(تریست) پامهد وجود هفتاد و هشت سالگی
با جده امش رفت بشهر رم مؤخر انا با شویله
که نبی اعلمش بر پا کردند از آنجا بشهر (فلورانس)
نقل مکان نمود پس از آن در سال ۱۸۳۵ میلادی
بشهر (ژنوا) رفته دو سال در مدرسه آن شهر
اکمال مقدمات علوم نموده در آن مدرسه لشکری
(لویس بورخ) شد و بعد از اكمال فنون لشکری
در سال ۱۸۳۰ فارغ التحصیل از آن مدرسه
بیرون آمد و لیسکن نخواست عنبر از خدمت
لشکری فرانسه در اخل خدمت لشکری میسختی
دیگر شود فلهند امشغول سیاحت گشته
مذت پنج سال در ممالک ژرمنی انگلستان
و اسپانیا صرفت و اوقات نمود چون آن اوقات
لویی فلیپ) پادشاه فرانسه بود و خانوادۀ
ناپلیون از حکومت افتاده بودند پرنس

شارالیه نیستوانت پانچک فرانسه که در
تا اینکه در سال ۱۸۴۵ (سیو کیزو) که در
(لویی فلیپ) بود از برای او تخت حاصل نمود
با اسم مبتدل (گنت دی موت فورد) برود
بپاریس و لیکن بسبب مناسبتی که با دست
جمهوریت طبیان پیدا کرد و انکار پارده خیا
نمود حکومت از او ششماهه تک کردیده بعد از
چهار ماه اقامت در پاریس امر شد که نواز از
خاک فرانسه بیرون برود
دو سال بعد پدرش (تیریم) عزانیه
فلیپ بقتدیم نموده پادشاه اذن داده
شارالیه با پسر (پرنس ناپلیون) دوباره
داخل خاک فرانسه شوند تا اینکه در سال ۱۸۴۳
لویی فلیپ از سلطنت فرانسه خلع شد اصول
جمهوریت برقرار شد پرنس ناپلیون بجز
استعجال پاریس آمده که غندی حکومت
موقه نوشت و طمیسنان او که جمهوریت
از روی صداقت خدمت خواهر کرد و نسبت
و کالت ولایت (کوریسیک) جزیر مجرس
شورای ملت کردید و در سال ۱۸۴۹ از
جانب حکومت جمهوری به سمت سفارت
رمدید که پاتخت اسپانیاست شده آ

در آنکه زمانی از سفارت عزل شده و محبت کرد پاریس و این فسخ طرف مخالفان بود که گفته داخل حبسهای دستپا گردیده تا اینکه حکومت جمهوری شایسته تحت کیریر استبداد فاشیست بنا نهاده با غلبه پرنس ناپلیون دست از مداخله امور پستی کشید و عزلت اختیار نمود.

در اوایل سال ۱۸۵۲ پس از آنکه با محبت امپراتوریه فرانسه برقرار شد و ناپلیون ستم بر تخت امپراطوری نشست بموجب استراحت مجلس سنیات پرنس ناپلیون خانم مقدم پرنس فرانسه درین جشن مجلس سنیات یعنی یوان اعلی و مجلس شورای ملی وقت نشان اول درجه اکران گروسس دی لژیون و نونر نیز باه داد شد و بنسب ژنرال دیویزیون سرافراز گردیدیم کجا میگردان متفحص فرانسه و سایر دنیا و تخمین عثمانی با دولت روسیه اعلان جنگ نمودند پرنس ناپلیون استبداد بود که آن جنگ حاضر باشد فایده دیگری نداشت.

ماد آوریل ۱۸۵۳ از شهر ماریه سواریستی شده و خازم فرم گردید و در آنجا بگردن یکی از بیکاردهای میساده نظام ذخیره نامور جنگ (الم) و (اکرمان) کشت میکوشید پرنس مشارالیه در جنگ (اکرمان) اطفا لیاقت و رشادت نمود بعد از جنگ مذکور اخوالش بهر خود بد بسبب عدم رعایت پهنه فراجت گردید و پاریس میر مجلس کمیسیون اسپانیسیون سال ۱۸۵۹ گردید.

در ماه ژانویه سال ۱۸۵۸ پرنس ناپلیون بریسا و ژانر تانجا به مدی که از برای الجزایر دستگیر تشکیل یافت برقرار گشت و لیکن جنگ در آنجا در اشامی اشناش و احتمال ایالتی از آنجا استغفار داد و در سال ۱۸۵۹ پرنس کویا شهنزاده خانم (دوی) خوانم برت پادشاه ایتالیا عقد ازدواج نموده این ازدواج در نظر با بحث است حکم مر و اباطه کستی و اتحاد بین اذلمتین و حصول منافع منفعت بفرانسه و امید مونت می نمود و لیکن بعد از قیام بر این مناسبت با بحث جنگی شد که ایتالی برای آذامی و استقلال خود برومی کار آورد در نظر این جنگ پرنس ناپلیون با کمیت فرقه قشون مامور گشت که از برای محافظت (توتکا) بروم در (لیغورن) و تا عقد مصالحه (ویانا) در آنجا ماند و در جنگ پال ۱۸۵۹ که میان ایتالی و اطیش ظفر نموده در سایر اتفاقات با ژرمنی ایتالی ولایت (ویتیا) را متصرف شد پرنس ناپلیون مامور گشت برود در اردو (ویکتورا مانویس) که صورت جریان و قیام میشا به دنیا بد پرنس ناپلیون بر فتنه حکومت جهانی پانظلماتی بسیار متوتر گردید است که در تاریخ فرانسه شهرت دارد که در آن امپریستیک فرانسه نیز اظطعا و خطابه نامی معروف دارد که دال بر فاجت بیان طلاق است و امور آشنائی او میباشد پرنس ناپلیون تمام اروپا و امریک و مصر است حیات

کرد بود و در بارش کمال سویس حضور بهرسانید بعد بفرم سیاحت ماکمل شلی از او پ حرکت کرده بکن نوروی رفت و قصد داشت برود به (ارک انجل) که آنجا شمال است چون به (تروسو) رسید به سینه که میانه پرورس و فرزند شکیلی بود یکی از آن است که نخر بخت خواهد شد غمناک است اینکه میشاید بتواند همسایح ذات بدین بیخناح است مجال متوجه فرانسه گردید و چون به مسکن رسید رسید محله مشه که کاکا گذشته و جنگ شروع شد دست بعین خود را بفرانسه رسانیده وارد اردوی امپراطور ناپلیون گردید و لیکن جنگ مداخله نکرد و لیکن شکت اردوی فرانسه امپراطور و افرانتا نزل (ویکتورا مانویس) پادشاه ایتالی کار استمداد نماید چون به ظهور پرنس رسید خبر گرفت که قلعه اسدان تسلیم شده و ناپلیون در دست پر و ساسیر ارقا ده است درین اثنار روزها ما نوشتند که در ژرمنی منظر همین دسته جوان خوانان خانواده ناپلیون این است که پرنس ناپلیون با اجانت استمداد و بی که سدان اسیر شده بود در وقت دولت پرورس امپراطور فرانسه نصب نمود و حتی گفتند پرنس سیمارک هم راضی شد است که پرنس ناپلیون بجای امپراطور ناپلیون ستم بر تخت فرانسه بنشیند و لیکن شایعات تا ما این مهل و اساس بودند و بلا نشه حکومت

بقیه تاریخ دولت فویشوک ژرمنی

ممنوعه دوسالی (۱۸۷۱) بین دولت (پروس) و دولت (فرانسه) بود و در آن (امپراطور روم را که (فرانسه) نام داشت نماند و در سال ۱۸۷۲ امپراتور را بیاخته نمود و آورد بسو و ختم امپراطور را از وضعی که شومر شدن داشت خوش نمود و بجهت آگاهی سید (یوان) و نفع ستقلال مزار و در زمان او اصلاحات کرده و در زمان بزرگای است بطوردهای سابق حرکت میکرد و لیکن (یوان) با تحریک نرجه اش وضع خود را با آنها عوض کرد چون بزرگان این نادره یوان پس از رفتن

جمهوریه در فرانسه ثابت شد و پرنس ناپلیون
پند و فعه بسمت مبعوثی ولایات (کورسیک)
در (بجاسو) و غیره در مجلس مبعوثان برقرار شد
و استعفا داد و موقوفه از حکومت استعفا
نمود که بمنصب نرالی و یوزیون تکمیل کرده بود
برقرار باشد و لیکن استعفاش قبول ننهاد
فلذا اش را الیه از امورات پلیتیک دست

کشته
بعد از آنکه پرنس امپریال پسر ناپلیون در
ژولوستان کشته شد باز پرنس ناپلیون
مرا بر آورده ریاست و بزرگترین نواده ناپلیون
بر عهده گرفت و بعد از انعضای آیام عسکری
پرنس امپریال بفرانسه مرجعت نمود و لیکن چون
پرنس امپریال در وصیت نامه خود پرنس میکتوز
پسر بزرگ پرنس ناپلیون اطفال و جانشین خود
انعیسین کرده بود در باب ریاست خانواده
با پدریش از راه مخالفت در آمده باین واسطه
در میان پسرش طرفداران ناپلیون شقاق
و دو طرفی راه یافت و تازمانی که پرنس ناپلیون
وفات کرد این مناسق میانه او و پسرش
باقی بود میگویند در حالت استعجاب آشتی کرد
و مریدت پرنس ناپلیون در وصیت نامه اش
ریاست خانواده و دشان و اسم ناپلیون را
پسر خودش (پرنس لویی) واکذا نموده است
پرنس لویی) در هنگام وفات پدرش
در تقطیس بود و در آنجا خبر وفات پدرش
باورسید

یکی از اشرا عظیمه همی که درین او جهنم هر نوروس
سیلادی ظهور نمود کشیده شدن خط قیغون
از لندن با پاریس تا کنون علم بواسطه قلم نگارانی
از یکطرف دنیا با طرف دیگر دنیا مطالب تصد
انس ترا در آن واحد میسوسشت کنون زبان
صحنه در از شده صدای انس ترا در آن
از مکی بکک دیگر میرساند چیزی که چند سال
قبل باز یک اطفال بود یعنی محض بازی بواسطه
دو قظی کو کرد و یکت ریسان اطفال از مسافت
چند قدم با یکدیگر سه گوشه سخن میکنند
الآن علم آن بازیچه را بصورت جدی در آورد
تا بدرجه رسانیده است که از پاریس تا
لندن که مسافت دویست و هفتاد و یک میل
است دو لغت با کمال صراحت و سهولت
با یکدیگر صحبت میکنند

چنانکه در تلگرافها می قبل اطلاع داده بودیم بود
نوز دهم ماه مارس شما با خط مذکور شروع
بکامله شده است و (سیوروشس) همجی
از رقاصی خود و سفیر کلیس مقیم پاریس از مرکز
قیغون در پاریس به استرلیس) رئیس عموم
پستخانهای انگلستان در لندن مکالمه کرده
و اول سخنی که از لندن بواسطه قیغون پاریس
گفته شده است آتی از تورات است که
که (استرلیس) تلفظ کرده است و آن این است
رخد او مذکور بود کلام من قطعات زمین و جزیره
و دریا را طغی خواهد نمود من این مطلب را با تمام

الی لاجد و فرود آمد
بعد از آن فیما بین و هفت باورش را
خیل صحبت شده است و طرفین سخن یکدیگر
چنان واضح میشدند اندامند آنکه از پشت
پرده با یکدیگر گفتگو مینمودند

از فراری که روزنامه سان میونید در پاریس
پسر (پرنس ناپلیون) متوفی بعد از شنیدن
خبر وفات پدرش انگلیس با بطوم و از با بیم
با سلام قبول رفته بمان فرود در شاسلو قبول
مواقع مشهوره شهر مذکور را سیر تماشا کرد
عصری با قطار مخصوص راه آهن نازم پاره
شده است

از جانب وزیر فراید دولت روسیه ادوی
صادر شده است که تمام سکاکنانی که در روسیه
آهن و سینه تند یا با بدیعت دولت
روسیه را قبول کنند و یا باید از خدمت خود
استعفا نمایند
(بقیه مژدینت امیل امینه)

از یکی که الف بیک در سمرقند بنا کرد تقریباً
بار نافع یک صد قدم بلند بود اگر چه اصول
را صد می داد و است لاند از او خورشید را
نگروده بود و چنانکه مذکور داشتیم یک قتی غصه
اسلام آنها را کشف کرده بودند و لیکن
الف بیک قدر قیمت آن اسبابی که در
معرفت و مذمت بودند نیک داشتند

(صوفیا) رقابش هم فرسوده و گمانیک بزرگی نداشتند مترب خود ساخته در کار را اختیار داد همه بنا می گفت که مواضع را کند ارشته این تبدیل سک نمودن
(یروان) به (صوفیا) نسبت میدادند و تا نما از مشرب را ایما متفر بودند
وفات کرد متوفی شد رایله از دختر (استخان) کنعان (الواد) که (ایبنا) نام داشت پسر که کل داشت امش (امیزی) و کنیا بزرگ از زن و پسرش
نیز پسرش (اسیل نام) پسر لده وفات و بعد سسکه بیان آمد که آیا بعد باید پسرش نامه امش بسطه (اسیل) که از صوفیا بود حق ولایت همه

بنا نمود که تا آنوقت مثلش را ساخته بود و در صورتیکه خودش نوه جانگیری مانند چنگیز بود اینگونه هم خود را مصروف ترقی معارف و معرفت نمودنش واقعا شایان تحسین و باعث تقبلت و اسم او تا جان باقی است بزرگ یا در خواهد شد

مشهورترین علماییکه از آن بیک دور خود جمع کرده بود حسن جلی که مشهور بقاضی زاده است و فیاض بلخ الدین حمشید و علی بن محمد قوشچی میرم جلی پسر قاضی زاده شیبه جی بر کتاب الخ بیک نوشته است

یکصد و پنجاه سال بعد از الخ بیک (کپلر) بیات شیناس مشهور در فرنگستان ظهور نمود ثابت بودن آفتاب و ستار بودن که از ارض کشف و اثبات کرد فلذا باید گفت الخ بیک آخرین شاکرد در الفنون بغداد است

علم و ریاضیه
فقه و فقه هند

تا اینجا ترقیات و کشفیات علماء اسلام انجام و هیات بیان نمودیم علماء اسلام برای اینکه نجوم و هیات را تا بدرجه مطلوبه ترقی دهند مجبور بودند در ترقی علوم ریاضیه نیز بکوشند فنون مذکوره را تا بجدی ترقی و وسعت دادند که اگر بگوئیم موجود آن مشنون بدینسانند نگرددیم فرنگیان علوم ریاضیه از علماء اسلام اقتباس نموده چهره های کمی بر آنها توانستند بیفت ایند

علماء اسلام تنها بحساب و هندسه جبر و مقابله که تقریبا خود آنها را ایجاد کرده اند اکتفا نمودند در ترقی مشنون میخانگی یعنی آلات جبر و قیاس و مناظر و مایه بسیار خدمت کرده اند آثار و تألیفاتیکه (نارون) و (اکسیپوس) که از ائمه دارالفنون یونان در اسکندریه میباشند

در باب مائینهای آب و هوا نوشته اند از ابتدای ظهور دینت اسلامیة بزبان عربی ترجمه شده بود این بیستم که ذکرش مستحبست که در قرن العبا یعنی مناظر و مایه در باب (دوئیت تقسیمه) و (دوئیت منجسه) و (دوئیت نگرش) و (مراست مجرد) کتابها تألیف نموده است که معلومات و کشفیات بسیار را شاملند

بجز این نیز که سابقا ذکرش رفت کتاب کلمتی در فن البصا در اردو که در آن از انکسار رویت و ضعیف و از جامائی که اشیا را منعکس در آئینه میکینند و از چگونگی حسرتیکه از مایه ای مجرد حاصل میگردد و از اجسام که ذرات اشیا که در پاره اجزای آنها پیدا میشود و از باب اینکه شمس و قمر هر دو چنانکه میکند از افق

طالع میشوند و قرصشان بزرگتر نماید معلومات مفصله و مکتبه جمیع است (دیتلیون) که از هند سین پونند است و در اروپا قبل از همه در خصوص فن البصا در کتاب نوشت چیزی یاد ترا از آنچه ازین کتاب بجزن اقتباس نموده است نوشته است یک جمله که از آن آن کتاب حل و تعریف نموده است بعد از آنکه در تمام بی چندین عالم زلفینوز از اربیل

لندن ۴ اشخصه مذکور در جواب کاغذ (لرد سالیسبوری) که در خصوص لغت ی پور تیکه با نسبت بریت انگلیس در (سرا) که در فرنگستان مشرقی واقع است حکومت پورتیکه نوشته است که رودخانه (پانگو) آزاد است و امام لازم در آنجا (بیرا) داشته شده است

تلاک افغان
موجب بولنیک نیون

دانشینان ۱۱ شهر رحمتان المبارک خزانه امروز پانصد و نود و پچهار هزار و اسی نفره حشرید

لندن ۴ اشخصه مذکور در جواب کاغذ (لرد سالیسبوری) که در خصوص لغت ی پور تیکه با نسبت بریت انگلیس در (سرا) که در فرنگستان مشرقی واقع است حکومت پورتیکه نوشته است که رودخانه (پانگو) آزاد است و امام لازم در آنجا (بیرا) داشته شده است

نصیای

حکما گفته اند هر که با زبردستان سیزد بدست و خون ریز ضعیفی با قوی را لوری کند دشمن اهل کفر و یادی کند آنچه بیشتر نوشت با شمشیر زدن کار خردمند است هر که با دانا مجادله کند که بلند اناست آنکه نادان است از مناقق بدبیر موصحن مجاه و از گزگ پوستین و خون

سلیز و منی و کهنه و کهنه و کهنه و کهنه
سخت و خیز از عبد القادر

کشته نشود و بس آن کرده در پیش ازین وضع او متغیر شد و فرمود از هر کس که (یوان) از زرش (صوفیا) نیز بدکان کشته از دوری جنت و نوه اش در میری را با کمال شام رسا و بعد می فرمود و لیکن بدنی نگذشت (صوفیا) که از نظرافت و بود بر تری ذمت نموده باز محترمه که و بد پس مان کینا بزرگ کم کم نوه اش در میری ان سل کشته پسرش (اسیل) مغرب گردید و اینگونه نوه او کینا زنی بزرگ (زکود) و (پسگوت) نصب نمود و نوه اش در میری را با داورا (دینا) بحسب نهخت (دوویل) کینا زنی بزرگ مسکه و فرما نغمهائی کل ملکات روسیه اعلان نمود